

جایگاه هنر مقدس در تربیت عصر نوین^۱

حمید آرمانی^۲

چکیده

در دورانی که چهره عالم تک بعدی تصویر شده، نگرش‌های مادی‌گرایانه پرورش یافته و موجب تقدس‌زدایی از عالم گشته است، همچنین دینی که طریق صحیح زیستن را می‌آموزد، اکنون در شرایط مدرنیته جلوه‌ای غیرجذاب به خود گرفته است، سنت‌گرایی درصدد است چهره حقیقی از عالم را به واسطه هنر بنمایاند و حقایق دین را که به تاریکی گراییده‌اند احیا کند. پژوهش حاضر این پرسش‌ها را بررسی می‌کند: در حالی‌که در شرایط جامعه مدرن که بیشتر شئون آن، از جمله تعلیم و تربیت و هنر، برآمده و متأثر از ارزش‌های مدرن است، اندیشه و عمل سنت‌گرایی به چه دلائلی باید احیا شود؟ سنت‌گرایی چه اهداف و روش‌های تربیتی را پیش روی ما می‌نهد؟ روش پژوهش، استنتاج و استنباط از محتوای آثار سنت‌گرایی است. هدف‌های تربیتی برگرفته از سنت‌گرایی به شرح زیر قابل بیان هستند: رفع شکاف‌های درونی، هماهنگی و تعادل جهان بیرون و درون، بازیابی کارکرد صحیح ابعاد وجودی، پرورش اخلاق مابعدالطبیعی، بازگرداندن حس تقدس به اشیاء، تعالی از درون، و صلح با خویشتن. در خصوص روش‌های تربیتی این موارد قابل ذکرند: آموزش چگونگی تفکر و در نتیجه تغییر در پندار، گفتار و رفتار؛ تعلیم حکمت؛ باطنی‌گری، نیایش و استفاده از ابزار هنری. از نتایج پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: رهایی از تزاحم آراء و آمال و تفرقه افکار و در نتیجه رهایی از بی‌هویتی؛ جلب و جذب نظر انسان به مراتب و لایه‌های زیبایی‌های عالم؛ ارائه تفسیری زیباتر از دین؛ بیان و انتقال حقیقت یا انعکاس قدسی؛ فراخوان به وحدت؛ شکل‌گیری شاکله قدسی.

واژگان کلیدی: سنت‌گرایی، حکمت جاویدان، هنر مقدس، تربیت قدسی، معرفت و معنویت.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه بوعلی سینا؛ Hamid.armani@icloud.com

مقدمه

سنت‌گرایی از نحله‌های فکری در دنیای مدرن است که در نقد شدید از باورهای عصر مدرن و بحران‌های حاصله از آن پا به عرصه نهاد. معتقدند در عصر حاضر امکانات درونی آدمی به کار گرفته نمی‌شود. آنان مدعی‌اند که در سنت می‌توان با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد تمام امکانات وجودی آدمی را به کار گرفت و از او یک کل واحد ساخت تا کارکرد واقعی‌اش را در معنای اصیل انسانی بازیابد. هنر نزد آنان به سان هوا برای نفس کشیدن مهم است و محور اصلی محتوای سنت‌گرایی را تشکیل می‌دهد. به طوری که درباره رابطه انسان و هنر، هنر و معرفت قدسی، هنر و هستی، انسان و هستی، هنر و خدا، انسان و خدا، انسان و اخلاق، هنر و اخلاق انسان و طبیعت قلم‌فرسایی کرده‌اند. شاید نتوان نظام فکری را یافت که شامل پرداخته شدن به ابعاد مختلف و متنوع از هنر باشد. هنر در سنت‌گرایی ابزاری است که انسان بتواند حقیقت درونی خویش را بازیابد. برخلاف دیدگاه عصر نوین که دیدگاهی تک‌بعدی به عالم است، سنت‌گرایی آن را در دو بعد تفسیر می‌کند، این مسأله چرایی پرداختن به این موضوع را حائز اهمیت می‌گرداند. هنر نزد سنت‌گرایان «ابزاری است جهت رهنمون ساختن به غایتی معنوی، وسیله‌ای است جهت ابراز معانی گوناگون پدیده‌ها» (گنون، ۱۹۵۵، ص: ۳۳).

معرفی سنت‌گرایی در یک نگاه کلی بدین صورت است:

«گنون نخست در قرن بیستم به صورت آشکار از سنت‌گرایی سخن گفت. چندی بعد، مکتب قابل‌توجه سنت‌گرایی با گنون، کوماراسومی و شوان، که در این گروه به عنوان شارحان برجسته جهان‌بینی دیرپای همه مردمان ماقبل تجدد شناخته می‌شوند، پا به عرصه ظهور گذاشت. این جریان با مطالعات بورکهارت، پالیس، لینگز و پری توسعه یافت و به گفتمان و جریان فکری خاصی بدل شد و تا نصر به عنوان برجسته‌ترین فرد سنت‌گرا در عصر حاضر ادامه دارد» (الدمو، ۱۳۸۹، ص: ۱۹-۲۰).

سنت‌گرایان، بنا به تعریف، عهده‌دار شرح و بیان فلسفه (حکمت) جاویدان‌اند که در بطن ادیان گوناگون و در پس صورت متکثر سنت‌های متفاوت جهان قرار دارد. سنت‌گرایان خود را وقف حفظ و توضیح صور سنتی می‌دانند که برخاسته از ادیان وحیانی هستند و دارای اثربخشی معنوی بسزایی است (همان، ص: ۱۵۴). علاوه بر حکمت جاویدان، تأکید بر سنت، وحدت ادیان و معرفت و امر قدسی از مؤلفه‌های اصلی آنان است که ارتباط عمیقی با یکدیگر دارند.

سنت‌گرایی ابزاری در اختیار دارد تا بر تزاخم آراء و آمال و تکثر افکار و در نتیجه بی‌هویتی که افراد عصر نوین را گرفتار و سرگردان خود کرده، غلبه کند. در این مقاله بر آنیم نظام تربیتی سنت‌گرایانه را با اهداف، اصول و روش‌های تربیتی‌اش ترسیم نماییم. همچنین مشخص کنیم که در شرایط جامعه مدرن که بیشتر شئون آن، از جمله تعلیم و تربیت و هنر، برآمده و متأثر از ارزش‌های مدرن است، اندیشه و عمل سنت‌گرایی به چه دلایلی باید احیاء شود؟ هنر و تعلیم و تربیت برآمده از سنت‌گرایی چه اهداف و اصولی دارد؟

در جهان مدرن به واسطه پیشرفت‌های سریع تکنولوژیکی آنچه به‌عنوان امور معنوی که در جهان پیشامدرن مأوا و ملجای برای انسان قلمداد می‌شد و به عالم هویت و معنا می‌بخشید مورد غفلت واقع شد. از این‌رو بازگشت معنا به کالبد عصر نوین حائز اهمیت شد.

با توجه به گرایش ذهن‌گرایانه و استدلال‌محور تعلیم و تربیت مدرن و عدم‌شمول تمام امکانات وجودی مخاطب و نفوذ و مانایی آن در عمق شخصیت وی و توقف در سطح ماده، انفصال پرورش از آموزش، نگاه تک‌بعدی و عدم‌توجه به ابعاد باطنی، آموزش هنر به جای تربیت هنر و به‌طور کلی آموزش‌های ناقص خلأی است که احساس می‌شود. در سنت بازیابی و احیای جایگاه حقیقی انسان با توجه به لوازمی که در اختیار دارد و کل وجود شخص را مخاطب قرار می‌دهد، ضرورت می‌یابد. در پس انبوهی از آوار اطلاعات بر سر بشر شاید بتوان معنایی ورای حضور واژه‌ها در هنر مقدس یافت.

وجه مشخصه تربیت مدرن، نگرستن از دریچه عقل و تنها عقل استدلال‌گر است و این همه حقیقت آدمی نیست در نتیجه ابعادی از وجود بشری مغفول مانده است. علاوه بر ذهن، دل و ارتباط آنان با یکدیگر و کارکردی که توأمان می‌توانند داشته باشند نیز حائز اهمیت و بررسی است. نگاه معنوی به عالم و لوازم آن و عمل به‌واسطه آن، خلأی است که در عصر نوین احساس می‌شود.

در عصری که ذهن‌گرایی و فراوانی اطلاعات مجال اندیشه باطنی را نمی‌دهد به‌نظر می‌رسد هنر سنتی به جهت غلبه بر انگیزه‌ها و اندیشه‌های مادی‌گرایانه برنامه دارد. عالم را صحنه یگانگی و هنرمندی خداوند دیدن، در وحدت دیدن سایر ادیان در عین دیدن اختلافات ظاهری، توجه به پیام درونی دین، زیباشناسی دین، سعه صدر و تنها خویش را ذی‌حق ندیدن، مسئول نگرستن خویش در عالم، بشردوستی و صلح جهانی و ... مواردی است که پرداختن به تربیت سنتی از دریچه هنر مقدس را ضرورت می‌بخشد. با توجه به

پیشرفت علم و تکنولوژی عصر مدرن، وجوهی از امکانات درونی بشر مسکوت نگه داشته شده که خلأ و آثار این خلأ در بشر امروزی در قیاس با بشر سنتی مشهود است؛ به همین دلیل نمی‌توان از کنار نقد و نظرات سنت‌گرایی به‌سادگی گذشت.

دلایل بازگشت به سنت را می‌توان این‌گونه برشمرد که مطابق با آموزه‌های وحیانی و خداگونه شدن است و مقصود بشر نیز نیل به یافتن مأمن و مأوی برای آرامش، همکاری، صلح، شهروند جهانی شدن در معنای توحیدی آن و اعتلای روح و جسم توأمان در نهایت نیل به مقصود اخروی است.

پژوهش حاضر با استناد به منابع اصلی سنت‌گرایان و با روش استنتاجی درصدد است تا به استخراج محتوای تربیتی آنان بپردازد. روش قیاسی فرانکنا در پژوهش‌های هنجارین برای استنتاج اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت به‌کار می‌رود (باقری، ۱۳۹۴، ص: ۱۰۵). در این روش دو گزاره برای استنتاج دلالت‌های تربیتی لازم است: گزاره‌های هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر (همان، ص: ۱۱۱). برای استنتاج اصول تربیتی، باید از اهداف تربیتی و نیز گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی، الهیاتی یا علمی، به‌منزله مقدمات یک قیاس عملی بهره جست که نتیجه آن، اصلی از اصول تعلیم و تربیت خواهد بود (همان، ص: ۱۲۴). در خصوص استنتاج محتوای تربیتی، قیاس عملی از دو مقدمه اهداف یا اصول بنیادی، هنجارین و واقع‌نگر، فلسفی یا الهیاتی تشکیل می‌شود که نتیجه آن دانش‌ها، مهارت‌ها یا نگرش‌هایی است که باید پرورش داد (همان، ص: ۱۱۲)؛ بنابراین، ابتدا اهداف آنان مشخص می‌شود و بر طبق آن، اصول مستخرج از دل عقاید آنان، روش‌هایی که بیانگر راه و وصول به اهداف باشد، فراهم می‌گردد. در این پژوهش، هنر در سنت‌گرایی به‌عنوان اصل، و اهداف و روش‌های وصول به آن، پرداخته می‌شود. این روش نوعی تلاش فکری منطقی است برای کشف و استنتاج دیدگاه‌های تربیتی از میان منابع اصلی آنان. سپس با توسل به نوعی استنباط و استنتاج تربیتی و جایگاه هنر در فرآیند تربیت در عصر مدرن از دیدگاه سنت‌گرایان پرداخته خواهد شد.

به‌زعم نویسنده «روش تحقیق استنتاجی» محرک و برانگیزاننده حکمت و دانش نوست؛ به‌عبارت دیگر وجود آدمی توپره نیست که پر کردنی باشد؛ آدمی به‌سان چراغی است که برای روشن شدن و روشن ماندن نیازمند سوخت است. بنابراین می‌توان گفت استنتاج حکم همان سوخت را برای قرار گرفتن در مقام حضور و دریافت‌های حکمی دارد.

پیشینه پژوهشی

در حوزهٔ تعلیم و تربیت اسلامی آثار متعددی وجود دارد اما از آن جایی که موضوع مقاله حاضر به طور خاص بحث جایگاه هنر سنت‌گرایی در عصر مدرن است به طور مستقیم به پیشینهٔ خاص پرداخته می‌شود. مقالاتی پیرامون معنویت و هنر از دیدگاه سنت‌گرایان (عباسی ۱۳۹۶)؛ نسبت معنویت و هنر را از دیدگاه سنت‌گرایی مورد تبیین قرار داده و بیان کرده‌اند که نظریات سنت‌گرایان را نمی‌توان بدون فهم مبانی و مفاهیم کلیدی آن فهم کرد؛ چراکه سنت‌گرایان چیزی را خارج از چارچوب سنت نمی‌دانند و همهٔ تأملات خود را در این راستا تبیین می‌کنند. این پژوهش به اینکه در جامعه چگونه می‌توان آن را عرضه کرد اشاره نشده است. تبیین تطبیقی مبانی فلسفی رویکرد سنت‌گرایانه سید حسین نصر و رویکرد نوگرایانه نصر حامد ابوزید در آسیب‌شناسی تربیت دینی (باقری نیا ۱۳۹۴)؛ هدف اصلی این پژوهش بررسی تطبیقی قابلیت‌های دو رویکرد جدید در حوزه آسیب‌شناسی تربیت دینی بوده است و به تفاوت‌هایی که در مبانی فلسفی با یکدیگر دارند، پرداخته است و بیان می‌کند که سنت‌گرایی نصر بر گوهر ادیان و وجه عرفانی و زیبایی‌شناختی آنها تکیه می‌کند و قائل به وحدت متعالی ادیان است و بر پشتوانه متافیزیکی اخلاق در تربیت دینی تأکید ویژه‌ای دارد. نوگرایی ابوزید نیز بر تأویل و درک فحوای نصوص دینی و جدایی دین و معرفت دینی تکیه می‌کند. نویسنده هر دو رویکرد را واجد کثرت‌گرایی کرده است. نسبت هنر اسلامی و اندیشهٔ اسلامی از منظر سنت‌گرایان (امیر ۱۳۹۱)؛ در این پژوهش سنت‌گرایان با تعریف خاص خود از سنت و نسبتی که بین سنت و مظاهر زندگی، از جمله هنر، در جوامع سنتی برقرار می‌کنند دیدگاهی خاص خود در این باره دارند. پس از تعریف سنت از این دیدگاه به بیان نسبت آن با هنر پرداخته شده و بر این مبنا نسبت هنر اسلامی و اندیشهٔ اسلامی شرح داده شده است. در پایان نقدهایی مختصر بر این دیدگاه نیز مطرح شده است. معنازدگی و بی‌هویتی انسان مسلمان در جهان مدرن (زارع و دیگران ۱۳۹۵)؛ بیان کردند که هم‌زمان با پیشرفت‌های سریع جهان مدرن، سنت‌ها و امور معنوی و اعتقادی که در جهان قبل از مدرن، مأوا و ملجأی برای انسان قلمداد می‌شد و همچون روحی در کالبد جهان، به جهان هویت و معنا می‌بخشید، مورد غفلت قرار گرفتند. از این رو شناخت معناگرایی در جهان مدرن در خور توجه است. نتیجهٔ پژوهش این است که بازگشت به سنت‌ها و تمدن عامل رهایی از این بحران است. فاصله گرفتن از سنت‌ها و تمدن دلیلی بر این بی‌هویتی و بازگشت به سنت‌ها راه نجات و سعادت آدمی است. این پژوهش نیز نسخهٔ

تربیتی ارائه نمی‌دهد و به توصیف و مقایسه سنت و تجدد و آثار و نتایج تجدد بسنده کرده است.

از جمله مقولاتی که در نظام‌های پیشنهادی تربیتی اسلامی که به نحوی اهداف، اصول و روش‌های خود را دارا هستند و یک نظام تربیتی را پیش‌بینی کرده‌اند می‌توان به کامل‌ترین پژوهش‌های پرداخته شده به تعلیم و تربیت «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی: خسرو باقری» اشاره کرد که در «اصل ظاهر» بحث از ویژگی‌های انسان، جذبۀ حسن و احسان را در نظر گرفته است؛ این اصل بیانگر آن است که در جریان تربیت باید صورت آن‌چه را عرضه می‌شود نیک آراست تا رغبت‌ها برانگیخته شوند. روش‌هایی که برای این اصل ارائه می‌دهد روش آراستن ظاهر و روش تزئین کلام است که از میان اصول متعدد پرداختن وی به هنر و زیبایی در تربیت دینی، در همین حد اکتفا شده است. از پژوهش‌های دیگر در مورد تعلیم و تربیت می‌توان به «اصول تعلیم و تربیت: شریعت‌مداری» اشاره کرد که به هنر و زیبایی و نقش آن در تربیت، پرداخته شده است.

آن‌چه از تحقیقات پیشین برمی‌آید این است که یکی از مهمترین وجوه تربیت و وصول انسان به حقیقت که همان توجه به هنر و زیباشناسی چه انسان به‌عنوان فاعل شناسا و چه تأثیرپذیری شرایط و اشیاء عالم بر وی، جز اندکی و به‌صورت پراکنده و جزئی بدان پرداخته نشده است. به‌نظر می‌رسد نمی‌توان از نقش و جایگاه هنر در تربیت به‌سادگی گذر کرد و انتظار تربیت کاملی داشت. تربیت بدون درک زیباشناسی و زیبااندیشی چیزی جز کالبدی بی‌روح و احساس و ریات‌گونه نمی‌تواند باشد. مقاله حاضر بر آن است تا از هنر مقدس راهی به‌سوی تربیت دگرگونه بگشاید.

پیشینه نظری

هنر سنتی/مقدس

بیان چیستی هنر سنتی در کنار دستیابی به معنای سنت امری ضروری به‌نظر می‌رسد. از منظر سنت‌گرایی، هستی امری رازآلود است که باید با بیانی نمادین و رمزگونه به بیان آید. امر مطلق اساساً بیان‌ناپذیر است و تجلی آن در عالم محسوسات از طریق صورت امکان‌پذیر است (بورکهارت، ۱۳۹۰، ص: ۱۵). هنر سنتی واجد محتوای مقدس است و این شاخصه، آن را از سایر هنرها متمایز می‌گرداند. این محتوای مقدس گاه در موسیقی زیبا، گاه در معماری و نقاشی و ... توسط هنرمندی که وجودش سرشار از این محتواست، جلوه‌گر می‌شود. از دیدگاه سنت‌گرایان، زیبایی سبب هماهنگی تمام امور است و مانند نور همه چیز را به سمت

خود جلب می‌کند و فرامی‌خواند و خاصیت تطهیرکنندگی آن می‌تواند درون هر انسانی را تحت تأثیر خود قرار دهد (نصر، ۱۳۸۸، ص: ۴۹۳). سنت‌گرایان نیاز ما به زیبایی را به اندازهٔ هوا برای نفس کشیدن مهم می‌دانند و اذعان دارند که زیبایی بخشی از نیاز ماست و داشتن یک زندگی بهنجار انسانی را در گرو آن می‌دانند (جهانبگلو، ۱۳۹۵، ص: ۳۴۳). لازم به ذکر است هنر دینی که الگوهای دینی را به تصویر می‌کشد با هنر سنتی و مقدس تفاوت دارد و پژوهش حاضر از مباحث هنر دینی متمایز است. شوان هنر مقدس را این‌گونه تعریف می‌کند: «هنر مقدس، صورت آن چیزی است که ورای صورت قرار دارد، تصویر ذات نامخلوق است و زبان سکوت» (الدمدو، ۱۳۸۹، ص: ۲۳۹). هنر مقدس برای آنکه هنر مقدس باشد بسته به آن است که حقایق و حیانی دین موردنظر چگونه بیان شوند؛ زیرا هنر مقدس در هر دینی نه تنها با حقایق اساسی بلکه با چگونگی تجلی آن حقایق هم ارتباط دارد (نصر، ۱۳۹۵، ص: ۳۵۳). معتقدند بی‌نماد هیچ هنر مقدسی در کار نیست (همان، ص: ۳۵۴). فهم سنت‌گرایی از هنر مقدس در گرو فهم بسیار دقیقی از ماهیت سمبولیسم است (الدمدو، ۱۳۸۹، ص: ۲۴۲). دانش سمبولیسم نوعی نظیر عینی موهبت خداوند را در همه‌جا دیدن است. نگاه سنت‌گرایی به اشیاء و عالم نگاهی دویعدی است و معتقدند در پس صورت‌های ظاهری، حقیقتی است که ما را فرامی‌خواند (همان، ص: ۲۴۴). هنر مقدس برخلاف سایر هنرها، و به‌واسطهٔ سمبل‌های منحصر به فردش، نه تنها ذهن را بلکه کل وجود شخص را مخاطب قرار می‌دهد و از این راه تعالیم موردنظر سنت را فعلیت می‌بخشد. سنت‌گرایان معتقدند که بیشتر افراد صور مادی را بهتر از اندیشه‌های انتزاعی درک می‌کنند بنابراین این نوع هنر را پذیراتر هستند (همان، ص: ۲۵۳). صور زیبا به ما برای یادآوری دوبارهٔ حقیقت وجود آدمی فرصتی می‌دهد؛ بدین ترتیب، زیبایی از ابزار اساسی کسب معرفت است (رضوی، ۱۳۹۱، ص: ۲۱۵). هنر از سنخ سنتی همان یادآوری افلاطونی است (سینگر، ۱۳۸۷، ص: ۲۱-۲۲). هنر سنتی حاوی معرفت، شکوه و زیبایی است و از این‌رو می‌خواهد نمایان‌گر و نشان‌گر حقیقت ازلی باشد. شهود و تأمل به معنای عرفانی آن مهم‌ترین ابزار اساسی یک خالق آثار هنر سنتی است (کوماراسوامی، ۱۳۸۶، ص: ۲۱۹). سنت‌گرایی ذات اشیاء را در عین کثرت ظاهری واجد وحدت باطنی می‌داند و معتقد است هر چه یک شیء در ذات خود واجد وحدت بیشتری باشد، به‌طور عمیق‌تری از هستی بهره‌مند خواهد شد (بورکهارت، ۱۳۸۹، ص: ۷۲). هنر سنتی هنری است که در آن هنرمند به یاری فنون سنتی، به ابزاری برای بیان پاره‌ای نمادها و ایده‌ها تبدیل می‌شود؛ نمادها و ایده‌هایی که فرافردی هستند. از

این‌رو، سرچشمه صورت‌ها، نمادها، قالب‌ها و رنگ‌ها در هنر سنتی، نه روان فردی هنرمند، بلکه عالم مابعدالطبیعی و معنوی است که به هنرمند تعالی می‌بخشد و منشأ تمایز میان هنر سنتی و هنر مدرن را از همین‌جا می‌دانند (نصر، ۱۳۹۵، ص: ۳۳۵). ذات و حقیقت زیبایی این است که حضور معنوی را جذب خود کند؛ بنابراین، از نگاه عرفانی، کارکرد زمینی زیبایی هدایت انسان به سوی سرچشمه این زیبایی زمینی یعنی هدایت او به قلمرو اصیل هستی است (همان، ص: ۵۲۱). سنت‌گرایی از دریچه معنوی به پدیده‌های عالم می‌نگرد و در پس هر شیئی معنای متصل به حقیقت نامتناهی را می‌بیند؛ به عبارت دیگر عالم را سایه‌هایی از حقیقت می‌دانند که به طریق اشکال مادی جلوه‌گر هستند که می‌توان از سایه‌ها به حقیقت رهنمون شد و هنر مقدس روش رهنمونی به حقیقت با به‌کارگیری لوازم درونی آدمی برای وصول به آن است.

هنر مدرن

هنرمند عرصه مدرن با گریز از امر مطلق و تأکید بر احساسات و ادراکات درونی در آفرینش اثر هنری راه خویش را از تعاریف پیشین هنر منفک نمود و افق تازه‌ای را با تعبیر هنر مدرن گشود (ویلیامز آر، ۱۹۸۱، ص: ۱۱۲). سبک هنری مدرن یا مدرنیسم در واقع شاخه‌ای از هنر است که در آن ایده‌های مدرن هم‌سو با تحولات اجتماعی و فرهنگی دنبال می‌شوند. در واقع در سبک مدرن هنرمندان با گذر از ایده‌ها و سبک‌های سنتی سعی دارند تا در آثار هنری خود ردپایی از تغییر و تحولات دنیای مدرن را با استفاده از آثار بصری و هنری نشان دهند؛ به بیان دیگر یک اثر هنری که خصوصیات هنرهای سنتی «بیان و انعکاس امر قدسی» را در خود نداشته باشد و موضوع آن برحسب رویدادهایی در بستر زمان باشد، در حیطه هنر مدرن می‌گنجد.

هم‌زمان با ظهور هنر مدرن، مدرنیسم خود با تغییرات تدریجی طی سال‌ها پیش‌روی کرد و در این دوره سبک‌های متفاوتی در قالب هنر مدرن ظاهر شدند. در هر یک از این سبک‌ها یک ایدئولوژی به‌خصوص دنبال می‌شود و هنرمندان براساس شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه، یک نظریه و سبک مشخص را در کارهای خود دنبال می‌کنند. به این سبک‌های متفاوت در هر دوره که هر یک مفهوم و پیامی مشخص را ارائه می‌دهد جنبش هنری در سبک مدرن گفته می‌شود (لینتن، ۱۳۸۳).

بحران مدرن / هنر مدرن

به باور ارتگا، بحران مختص انسان است و آدمی در جنبه‌های مختلف زندگی‌اش آن را تجلی می‌دهد، یکی از این جنبه‌های مهم برآمده در زندگی آدمی، هنر است.

«انسان‌زدایی هنر مدرن، فاصله گرفتن از جنبه‌های زیبایی‌شناختی سنتی، رهایی از واقعیت عینی و روی آوردن به انتزاع و امر جدید، اموری هستند که هنر را دست‌خوش تغییر کرده‌اند. پویایی و ویژگی‌های هنر مدرن از مشخصه‌های دنیای نوین است که در آن سرعت تغییر و دگرگونی پدیده‌ها، موجب عدم‌ثبات ارزش‌های موجود شده است. سرآغاز انسان نو هنگامی است که در رابطه با خویش دچار چالش می‌شود به‌گونه‌ای که خود را خارج از مسیر و سرزمین خویش می‌بیند این گم کردن مسیر بی‌خبر ماندن و گسست آدمی از سرزمین و وضعیت آشنا سرآغاز وحشتی از نسبت به آنچه برایش اتفاق می‌افتد وحشتی است ناشی از بلاتکلیفی، ناپایداری و عدم‌وضوح آنچه باید جایگزین شود» (ارتگا، ۱۹۷۶: ۶۴).

گسستی که در دو عصر سنتی و مدرن رخ داده هنر را نیز دربرمی‌گیرد موجب دگرگونی هویت آدمی گشته و از باورها و اعتقادات گذشته فاصله گرفته می‌توان نام بحران‌مدرن بدان نهاد و این دگرگونی در تجلی هنر هنرمند نیز مؤثر است که به نظر ارتگا ویژگی این دگرگونی در دو ساحت؛ *انسان‌زدایی هنر مدرن و تغییر معیارهای زیبایی‌شناختی* رخ داده است (هرینگتون، آستین، ۱۳۹۲، ص: ۲۵۲).

در تعریف سنت‌گرایی نیز هنر مدرن بدین صورت است که از زمان تغییر ماهیت کار هنرمندان، هنر سنتی به هنر مدرن تغییر می‌کند. هنری که محصول دوران تجدد، یعنی همان مقطع عدول از سنت است، هنر ناسوتی و غیرسنتی قلمداد می‌شود (رحمتی، ۱۳۸۳، ص: ۵). تلقی از هنر مدرن می‌تواند بدین‌گونه باشد:

«فردگرایی بی‌انضباط، دل‌مشغولی نسبت به نوآوری و اصالت؛ نوعی اصالت زیباشناختی که نسبت به کارکردهای اخلاقی، عقلی و معنوی هنر بی‌اعتناست و منشأیی دنیامدار و فردگرایانه پیدا کرد» (الدمو، ۱۳۸۹، ص: ۲۵۶). از نظر کوماراسوامی «زیبایی وسیله‌ای است برای هدایت ما به یک غایت، نه اینکه خودش (زیبایی) غایت هنر باشد» (کوماراسوامی، ۱۳۸۹، ص: ۲۵).

هنر وسیله‌ای است که با استفاده از آن می‌توان در نوع تربیت انسان دخل و تصرف کرد، با هنر می‌شود به مخاطب هنر زیبا دیدن و زیبا اندیشیدن را آموخت. هنر مقدس از آن جهت حائز اهمیت است که بیانگر حقایق بی‌صورت، لازمان، لامکان و ابدی است.

نقد هنر مدرن

تقابل هنر مدرن با هنر مقدس از دو جهت قابل تبیین است یکی در مقام نقد و دیگری در تمایز آن:

در نگاه نصر هنر مدرن براساس قوانین فیزیکی و اکتشافی و دارای صفت خلاقیت، بدون درک و توجه به این‌که خداوند منشأ قدرت خلاقیت است؛ ساخته شده است (نصر، ۱۳۹۱، ص: ۲۰۵). هنر مقدس را هنری کاربردی به معنای انعکاس‌دهنده یک واقعیت مثالی و مدخلی به سوی ذات بی‌صورت و هنر جدید را سودگرایی آن می‌دانند (نصر، ۱۳۹۶، ص: ۲۱۴). وجه تمایز هنر سنتی در این است که هنرمند به الگوی تغییرناپذیر بنگرد و صورت و طبیعت اثر خویش را از روی آن الگوی تغییرناپذیر، بسازد اما هنر غیرسنتی نگرستن به نظام مخلوق و استفاده از نمونه‌های مخلوق و ابداع شده است (نصر، ۱۳۹۶، ص: ۲۳۲). در هنر مدرن حقیقت عینی و غیرملموس اشیاء با تصور ذهنی و با مشاهده ظاهری اشتباه گرفته شده و در نتیجه حقیقت امور را به سطح مادی وجود منحصر کرده است. اما هنر سنتی الگوگیری از نمونه جاودانه آن است (نصر، ۱۳۹۱، ص: ۲۰۷).

فلسفه عرضه دین و حیانی برای بشر، هستی را جلوه قدسی از سوی آفریدگار یکتا دیدن و زیستن و باور به حقایق جاودانی است و هنر مقدس وسیله جلوه‌گری و انتقال و گسترش رایحه قدسی دین در عصری است که تقدس و معنا از آن رخت بر بسته است. تقدس‌زدایی و راززدایی از عالم مهم‌ترین دلیل اهمیت و جایگاه سنت و عرضه آن در قالب فرهنگ در عرصه مدرن است و هنر مقدس مهم‌ترین وسیله برای بازیابی امر قدسی است.

متفکران سنت‌گرا، محدودیت کاربردی آثار هنری که صرفاً برای برآوردن نیازهای مادی است را ویژگی آثار دوره مدرن می‌دانند و آن را به سبب بریدن پیوند و دور شدن انسان از مبدأ هستی و جنبه شهودی خلقت می‌انگارند. «تولید و ساخت، تنها به قصد برآوردن نیازهای جسم، نکبت و شوربختی تمدن مدرن است» (کوماراسوامی، ۱۳۸۹، ص: ۵۷).

از مهم‌ترین نقدهایی که سنت‌گرایان به فلسفه و زندگی مدرن وارد می‌کنند در بیان شوان جلوه‌گر است:

«همچنان که شوون جوامع در دوره مدرن، به سطوح پایین به شکل عمومی‌سازی فروکاهیده، عالمان و علامه‌گان پیشین، به دانشمندان متخصص در رشته‌های مختلف علمی تبدیل گشته‌اند و تخصص متخصصان به ریزترین دانش‌ها در آکادمی‌های علوم بدل شده است، پدیده عوام‌سازی جایگزین نخبه‌گرایی در آموزش و فراگیری فنون و هنرها شده و نیز دقت بسیار در حد اتم و ریزتر از آن در همه

سطوح علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، شایع و متداول شده است. هنر نیز به پیروی از این فضای مدرن، به سطوح نازل فرهنگی و روزمره در حد اطفای غرایز زیستی و زندگی نازله، به دور از معنویت و رازواری فروافتاده است. گویی دیگر تناسب، تعادل همسازی اثر با ماده سازنده، حضور روحی و نافذ سازنده در اثر و نیز چگونگی شیوه خلق اثر برای سازنده و شرایط ذهنی، روحی سازنده هنگام تولید اثر و... در اشیاء و آثار هنری لحاظ نمی‌گردد و دنیای هنر، نیاز وجودی خود به الطاف و لطایف معنوی و روحانی از دست داده و به پایین‌ترین درجات زندگی حیوانی و روزمره فروکاسته است» (شوان، ۱۳۷۲، ص: ۱۱۲).

شکل‌گیری چشم‌انداز سنتی در عصر مدرن، واکنشی بر سیر نابودی انسان مدرنی است که در جهان عاری از امر قدسی و عاری از معنی، گم شده است و در هنر مدرن چنین توان و قابلیت یافت نمی‌شود (نصر، ۱۳۸۸، ص: ۵۵).

«با انفصال و گسیختگی آفاقی از انفسی هنر مدرن، جایگزینی احساس بر حقیقت معنا می‌یابد. نو بودن [حاصل از خلاقیت و سلیقه] جایگزین خوب بودن اثر هنری است. ارزش کیفی اثر در نسبت با سایر آثار سنجیده می‌شود نه اینکه اثر به‌طور ذاتی دارای اثر باشد. جلوه‌گری هنر مقدس ملهم از معنای باطنی آن است» (بورکهارت، ۱۳۷۶، ص: ۸۴).

هنر مقدس از دیدگاه سنت‌گرایان همواره پاینده و زنده است و با گفتمان هر دوره خود را سازگار می‌کند و زوال و انحطاط در آن راه ندارد اما هنر مدرن اثری که زمان خویش را بهتر بیان می‌کند، ستایش می‌شود (رحمتی، ۱۳۸۳، ص: ۴).

با استنباط از مطالب فوق‌الذکر با انفصال و گسیختگی آفاقی از انفسی هنر مدرن، جایگزینی احساس بر حقیقت معنا می‌یابد. نو بودن جایگزین خوب بودن اثر هنری است. ارزش کیفی اثر در نسبت با سایر آثار سنجیده می‌شود نه این‌که اثر به‌طور ذاتی دارای اثر باشد. اثری که زمان خویش را بهتر نمایان می‌کند، ستایش می‌شود نه اثری که حقیقت را بیان می‌کند. در هنر مدرن با مرگ خدا معیاری برای ارزش‌گذاری باقی نمی‌ماند و معنا از عالم رخت بر می‌پندد. در عالمی که هنر از سلوک حاصل نمی‌شود و هنرمند سالک نمی‌شود، آموزش‌های آکادمیک [بدون پرورش باطنی] با تکیه بر محسوسات مشغول تقدس‌زدایی و راززدایی از عالم می‌گردند. روایت‌گری هنر مدرن از جهان محسوس و قطع ارتباط آن با حقیقت را می‌توان پایان راه این هنر دانست. آنچه این هنر عرضه می‌کند چیزی جز بیان زندگی عادی نیست.

سنت و سنت‌گرایی

معنای سنت با تعریف رایج آن متفاوت است:

«سنت را به منزله رشته‌ای می‌دانند که تمدن را به وحی می‌پیوندد؛ به عبارتی صورت کوتاه شده یا رمزنوشته‌ای برای یک جهان‌بینی عام، انتقال مؤثر اصول و مبادی با منشأ فرابشری و در ناب‌ترین معنایش حقیقت ازلی است» (الدمدو، ۱۳۸۹ ص: ۱۴۹).

حقیقت یگانه‌ای که همیشه بوده و هست. این سنت ازلی مبدأ همه حقایق است و همه سنت‌های زمینی، در واقع تجلیات این سنت آسمانی، ثابت و ازلی بوده و با آن مرتبطند و در معنای کلی‌تر می‌توان مشتمل بر اصولی دانست که انسان را به عالم بالا پیوند می‌دهد. (نصر، ۱۳۸۲: ۱۶۵). سنت‌گرایی حلقه‌ی واصل انسان به عالم بالاست و هنر ابزار آن است. سنت‌گرایی نیز یعنی تعهد و التزام کل وجود شخص همراه مشارکت مستقیم در یک سنت زنده (الدمدو، ۱۳۸۹: ۵۵).

تعریف دین در اندیشه سنت‌گرایی

به نظر می‌رسد بدون تعریف دین در اندیشه سنت‌گرایی درک کاملی از مفهوم هنر نتوان به دست آورد. آنان تعریفی که از دین ارائه می‌دهند، تنها با رجوع به وحی امکان‌پذیر است. هر دینی نهایتاً شامل دو رکن ذاتی و اساسی است: آموزه و روش. در سنت‌گرایی هر دینی امکانات کامل و منحصر به فردی که برای رستگاری انسان ضروری است را در خود دارد و به نوعی خودبسنده است (الدمدو ۱۳۸۹، ص: ۲۷۳، گنون، ۱۳۸۸، ص: ۹۴). از دیدگاه سنت‌گرایان، تمامی ادیان دارای وحدت درونی هستند؛ به تعبیر دیگر، ادیان بیش از یک حقیقت و گوهر ندارند. تنها شرایط تاریخی و اجتماعی موجب شده است این دین و حقیقت و یا سنت واحد، چهره‌ها و یا قالب‌های متفاوت به خود بگیرد (شوان، ۱۹۷۶، ص: ۲۲).

حکمت جاویدان

حکمت جاویدان، همان حکمت ماندگار، ازلی و ابدی است که در قلب همه سنت‌ها جای دارد و عالی‌ترین یافته آدمی است و می‌تواند الگوی زندگی آدمی قرار بگیرد.

«حکمت جاویدان به چیزی اشاره دارد که می‌کوشد انسان امروزی را از هزارتوی جهل و نادانی که جهان مدرن بدان گرفتار آمده است نجات دهد» (کوئین، ۱۳۹۵، ص: ۴۱). به تعبیر شوان: «هر حقیقت ضرورتاً صورتی مفروض دارد که متعلق به

جلوه خاص خود است و همچنین از جهت متافیزیکی ممتنع است که هر صورتی از ارزش بی‌همتایی برخوردار باشد که بتواند سایر صور را طرد کند؛ زیرا هر صورتی، محدودیت را همراه با خود دارد و نمی‌تواند تنها جلوه ممکن از آنچه جلوه‌گر می‌شود، باشد» (شوان، ۱۹۸۴، ص: ۱۷).

انسان‌شناسی

انسان‌شناسی سنت‌گرایی عرضه می‌دارد که او از اهمیت محوری برخوردار است طوری که دارای نیرو و ابزار درونی شناخت نامتناهی است (شوان، ۱۳۸۱، ص: ۲۱). شوان معنویت را سیر به سوی حقیقت و حقیقت را رفتن از اوهام به سوی واقعیت اعلی به مدد عقلِ عقل می‌داند. «فضیلت، زیبایی و نیایش» را از شیوه‌های وصول به حقیقت می‌داند (شوان، ۱۹۸۱، صص: ۷-۸). منظور از عقلِ عقل به‌کارگیری یکپارچهٔ عقل و دل در انکشاف حقیقت است. با توجه به تعریفی که سنت‌گرایان از سنت، دین، امر قدسی و حکمت جاویدان دارند و نیز این‌که به‌طور صریح به موضوع تعلیم و تربیت نپرداخته‌اند، نویسنده را بر آن داشته است که اهداف، اصول و روش‌های تربیتی از دل عقاید آنان را به‌صورت زیر استخراج کند:



جدول ۱- اصول، اهداف و روش‌های مستخرج از سنت‌گرایی

با توجه به استنباط و استنتاج اصول، اهداف و روش‌های سنت‌گرایی از فحوای کلام آنان در یک نگاه کلی می‌توان توضیحاتی را متصور بود: از آن‌جایی که هدف از خلقت انسان بندگی و خدای‌گونه شدن است و نیز آموزش وحیانی و وصول به حقیقت لایزال از اهدافشان است که توجه دویبعدی به تربیت را می‌طلبد. نگرستن از دریچه تربیت به این نحله به‌معنای مرتبط بودن تمامی اصول و اهداف آنان است. هنر مقدس تمامی ویژگی‌های

اصول فوق‌الذکر را داراست؛ برای مثال از مهم‌ترین ویژگی‌های هنر مقدس همان آمیختگی روح و ماده است که به‌عنوان یکی از اصول اساسی آنان است. با توجه به اصول و اهدافشان، روش‌هایی نیز می‌توان در نظر گرفت که از مهم‌ترین آنان کاربرد هنر در تربیت است.

هنر و دین

ملازمت بین هنر و دین چنین است که دین برای این‌که به حیات خویش ادامه دهد، بایستی این عالم را نه فقط از جنبه تجریدی و اندیشه‌ای، بلکه از لحاظ ظاهری نیز از نو شکل دهد و چون انسان‌ها، پیش از هر چیز، اشکال مادی را بهتر درک می‌کنند، سنت به خلق هنر سنتی می‌پردازد و اشکال مادی را که حیات روزانه مردم با آن سروکار دارد مطابق با اصول معنوی خود، شکل می‌دهد و خلق می‌کند (رضوی، ۱۳۹۱، ص: ۲۰۳). هنر سنتی حقایق معنوی و مینوی را انعکاس می‌دهد. مطابق تمثیل غار افلاطونی سنت‌گرایان نیز بر این عقیده‌اند که آنچه در سطح مادی وجود دارد، حقیقت و مثالی نیز در عالم بالا دارد. بدین صورت این هنر در سطح مادی تجلی‌گاه حقیقت ملکوتی است (کوماراسوامی، ۱۳۸۶، ص: ۲۱۲).

معرفت و هنر

معرفت سنتی می‌تواند در قالب هنر مقدس انتقال پیدا کند یا تعلیم داده شود؛ چون‌که انسان در جهان صورت زندگی می‌کند، برای رسیدن به بی‌صورت به صورت‌ها نیازمند است.

«انسان سنتی پدیدآورنده هنر سنتی است؛ بنابراین، هویت خداگونه او، مستقیماً با این هنر و محتوای آن مرتبط است. در سنت‌گرایی، انسان دارای ارزش‌های اخلاقی عالی‌ترین زیبایی در این عالم است که زیبایی‌های الهی را متجلی می‌سازد. حتی بدن انسان چه زن و چه مرد، یک اثر کامل هنری است که ظهور و نمادی از آن حالت ذاتی انسانی است. هیچ‌چیز به اندازه وجه انسانی که در آن زیبایی مادی و معنوی ترکیب یافته، نمی‌تواند متجلی‌کننده جمال الهی باشد؛ بنابراین انسان یک اثر هنری است، چون خداوند عالی‌ترین هنرمند است. به همین دلیل خداوند در اسلام، مصور نامیده شده است، یعنی او خلق صور می‌کند» (نصر، ۱۳۹۲، ص: ۲۹۷).

هنر سنتی، هنر مدرن

اهمیت و جایگاه ویژه هنر در نظام سنت‌گرایی در این است که عالم را صحنه هنرمندی خداوند می‌بیند و نیز در توصیف انسان به‌عنوان یک هنرمند و اثر هنری عالی که هنرمند آن خداست (نصر، ۱۳۹۶، ص: ۲۱۷).

سنت‌گرایان با نقد از هنر مدرن اذعان می‌دارند که این هنر، تنها می‌تواند الهامات فردی و ذهن‌گرایانه باشد اما هرگز پیام عقلی یا حکمت قابل‌توجهی را منتقل نمی‌سازد و در آن تصویر خداگونه انسان حذف شده است بدین ترتیب جایگاه هنر سنتی در عرصه مدرن مشخص می‌شود (نصر، ۱۳۹۲، ص: ۲۹۷). در درون هنر سنتی حکمت‌هایی برای مخاطبان نهفته است که شاید نتوان در قالب واژه‌ها آن را بیان کرد. سنت‌گرایان نقش هنر در سقوط انسان متجدد را نقشی برجسته می‌دانند:

«این هنرنمایی از سقوط باطنی از الگوی قدسی خویش است و عامل آن نیز یکسان انگاشتن خویشتن خویش با ساخته دست خویش است» (نصر، ۱۳۸۸، ص: ۵۰۰).

ترکیب، توازن و هماهنگی رنگ‌ها در هنر سنتی متفاوت از هنر مدرن است که باعث می‌شود به سرشت راستین آن پی ببریم و جلوه‌گر حقیقت باطنی است (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص: ۸۸). بدین ترتیب در نگارگری‌های سنتی میان صورت و بیان معنا تعادل برقرار است. تفاوت هنر سنتی و مدرن در این است که در هنر مدرن، اشیاء در مدل‌های مختلف بیان می‌شوند اما هنر مقدس به‌سان آینه‌ای عمل می‌کند که در آن غایتی فراتر از خودش را نمایش می‌دهد.

هنر و تربیت

سنت‌گرایان معتقدند تربیت در خارج از دین نیز می‌تواند رخ دهد اما به جهت این‌که کل وجود شخص را در بر نمی‌گیرد؛ بنابراین تربیت کاملی نخواهد بود. هدف تربیتی آنان نیز در این راستاست که ابعاد مغفول مانده از فرد را به‌واسطه هنر رشد دهند؛ بنابراین باید هدفی تربیتی را دنبال کند. همچنین معتقدند در دنیا هیچ نگرش کاملی به تعلیم و تربیت در کار نیست (جهان‌بگلو، ۱۳۹۵، ص: ۱۱۶) و می‌گویند: تقطیع و جداسازی تعلیم و تربیت از دیگر فعالیت‌های اجتماعی، بی‌گمان کل جامعه را به مخاطره می‌افکند از این‌رو پرورش همه اجزای وجودی آدمی را با هم و برابر می‌دانند و مهم‌ترین ابزار تربیتی که در اختیار دارند همان هنر است و قابلیت و کارکرد هنر سنتی نیز در ایجاد کل یک‌پارچه از آدمی است (همان، ص: ۱۲۱).

شوان در حوزه اخلاق به مجموعه اصول و دستورالعمل‌هایی معتقد است که عمل به آن‌ها باعث می‌شود در درون آدمی تحول و دگرگونی به‌وجود آید و این تحول و دگرگونی به‌نوبه خود باعث می‌شود جهان به‌گونه‌ای دیگر و نو احساس و تجربه شود (شوان، ۱۳۸۱، ص: ۲۲).

به عقیده سنت‌گرایان، حکمت جاویدان می‌خواهد راه و روش تفسیر انسان را در اختیار او بگذارد. در این دیدگاه، از طرفی تنها راه استکمال انسان، دستیابی به خود درونی و الهی‌اش از مسیر هنر است (شوان، ۱۳۸۸، ص: ۵۹). از اهداف اصلی و کلی سنت‌گرایی که دلیل حضور در عرصه مدرن نیز به‌شمار می‌آید، احیای امر قدسی یا همان سنت است. حلقه مفقوده عصر مدرن همان معنویتی است که به‌نظر می‌رسد باید بازگردانده شود و احیاء ارزش‌های سنتی نیز بر همین این اصل استوار است.

«در جهان سنتی حقیقت همراه با هاله‌ای از زیبایی به مرتبه انسان فرود می‌آید. هنر سنتی، حاوی معرفت، شکوه و زیبایی است و از این‌رو می‌خواهد نمایان‌گر و نشان‌گر حقیقت ازلی باشد؛ در نتیجه انعکاس حقایق معنوی توسط هنر، نقش تربیتی را داراست» (رضوی، ۱۳۹۱، صص: ۲۱۹-۲۱۸).

اهداف هنر مقدس

هماهنگی و تعادل در جهان بیرون و درون، بخشش و عشق، صلح و زیبایی برای تربیت از کارکردهای هنر سنت‌گرایی است (نصر، ۱۳۹۴، ص: ۲۲۲). از آن‌جا که راه دستیابی به معنا از طریق صورت است برای صورت‌گری هنری و زیبا نیازمند درک عمق معناست و این دو دارای ارتباط دوسویه هستند.

«انسان مدرن می‌تواند در عالم لایتناهی درونش سیر کند و جهان خارج را عینیت بخشد تا دارای معرفت باطنی - ذهنی گردد که یک مرتبه تماماً عینی دارد» (نصر، ۱۳۹۶، ص: ۱۰).

از نظر بورکهارت هنر بیش از همه یادآور هستی مطلق است (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص: ۱۶). برعکس هنر مدرن که در سطح قرار می‌گیرد، ابزارهای هنری سنتی فراخوانی برای ورود به عالم معنا هستند. درباره اهمیت معنای صورت در بافت سنتی می‌توان گفت:

«هر شیء دارای صورت و محتوایی است که این صورت، آن را دربردارد و منتقل می‌سازد. به برکت آن صور قدسی است که آدمی قادر است از درون تعالی پیدا کند و به ساحت درونی وجود خویش راه یابد و به‌موجب آن فرایند به بصیرتی نسبت به ساحت درونی همه صور نایل شود» (نصر، ۱۳۸۸، صص: ۵۰۶-۵۰۵).

این واقعیت بر انسان با این حقیقت منعکس شده است که روح او دوست‌دار چیزهایی است که آن‌ها را زیبا می‌بیند و آن‌چه را دوست دارد نیز زیبا می‌بیند. هم‌چنین زیبایی از نوعی هم‌گرایی برخوردار است و باعث می‌شود عناصر از هم‌گسیخته، جان و روان با نوعی

آرامش، کنار هم قرار می‌گیرند. به همین دلیل زیبایی به آرامش مربوط می‌شود و قدرت آرام‌سازی قابل توجهی دارد. این همان چیزی است که در عصر نوین نیازمند آنیم (نصر، ۱۳۹۴، ص: ۲۹۴). سنت تنها از طریق هنر خویش می‌تواند محیط و شرایطی را فراهم کند که در آن حقایق به همه‌جا انتشار یابد؛ محیطی که در آن، آدمی در جهانی از معنا مطابق با حقیقت سنت موردنظر به سر برد و بزید (نصر، ۱۳۹۶، ص: ۲۱۵). نگاه سنت‌گرایان به دین و مقصود آن، رفع همه شکاف‌های درونی انسان با استفاده از ایجاد جذابیت است که قلب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و از این طریق حس معنویت را در وی ایجاد می‌کند. برای مثال:

«وقتی در یک اثر هنری حقیقتاً قدسی تأمل می‌کنیم، همه نفس ما، یک‌جا، به صورت یک کل واحد جمع می‌شود، چنان‌که گویی به یک فراخوان زمینی پاسخ می‌دهد» (لینگز، ۱۳۹۶، ص: ۶۶).

از آن‌جایی که در درون ما گرایش و کشش به زیبایی وجود دارد و این کشش ممکن است عقل را در جهت شناخت زیبایی‌های حقیقی به خطا بيفکند و چیزهایی را زیبا ببیند که در حقیقت زیبا نیستند؛ بنابراین سنت‌گرایی درصدد است تا زیبایی‌های حقیقی را بنمایاند. از دیدگاه کوماراسوامی در درون ما گرایش به زیبایی حقیقی وجود دارد. «تصور زیبایی بی‌اختیار و خودانگیخته است؛ یعنی خارج از اراده و اختیار اوست» (کوماراسوامی، ۱۳۹۰، ص: ۱۰۲).

آثار هنری بسیاری از سنخ سنتی وجود دارند که در راستای تربیت ابعاد وجودی انسان نقش مهمی می‌توانند داشته باشند از جمله نگارگری ایرانی که به دلیل خصوصیات معیاری آن می‌تواند برای بیان شهود عرفانی مورد استفاده قرار گیرد (بورکهارت، ۱۳۵۵، ص: ۲۸). همان‌طور که بیان شد ارزش‌های مدرن به صورت کامل نمی‌توانند ابعاد وجودی بشر را به‌کار گرفته و چاره‌ساز بحران‌های کنونی باشند. بازگویی مقوله علم مقدس امروزه یک ضرورت است. علم تنها پژوهش دنیوی درباره طبیعت نیست و می‌توان طبیعت را از سر دقت و با نگاهی منطقی و در عین حال از منظر قدسی به کاوش گرفت (نصر، ۱۳۹۵، ص: ۲۹۲). در نگاه آنان، همه عالم یک نشانه قدسی است یعنی ورای هر چیز طبیعی را دیدن است. تفهیم اهمیت علم مقدس برای مخاطب به این جهت است که مثلاً اگر نگاه قدسی به درخت وجود داشته باشد دیگر به راحتی جنگل‌ها از میان نمی‌روند. به طبیعت تنها نباید به‌عنوان منبع مصرفی نگریسته شود برای تغییر این نگرش باید حس تقدس به طبیعت بازگردانده شود. اگر مخاطب بفهمد که او با طبیعت و طبیعت با او پیوند دارد، می‌داند که

آسیب زدن به طبیعت یعنی آسیب به خود. باید بفهمد طبیعت بستر حضور خداست. برای انسان سنتی درخت تنها برای سوزاندن و رفع احتیاجات نیست. در نگاه سنت‌گرایی باید با درخت به‌گونه‌ای برخورد شود که گویی جلوه‌ای از جلوه‌های خداست. قبول علم قدسی، آموزش مجدد علوم سنتی و سعی در حذف خرافات است. بدین‌ترتیب توجه به متافیزیک می‌تواند نقطه برتر عصر مدرن باشد.

روش‌های تربیتی هنر مقدس

آشنایی با متافیزیک از طریق هنر می‌تواند در اصلاح، بازسازی و تحول در پندار، گفتار و رفتار، در هیاهوی مدرن را داشته باشد.

تربیت در پندار

یک اثر هنری اصیل می‌تواند تغییرات اساسی در بنیان فکری مردم خود ایجاد کند تا جهان‌اندیشه را تغییر دهند (لینتن، ۱۳۸۳، ص: ۴۲۵).

در توصیف چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید، لینگز چنین می‌نگارد:

«غار، این جهان است و زندانیان، بندگان فانی ساکن کره خاکی‌اند. این زندانیان به‌واسطه فقدان بینش عینی که خود معلول کاهلی، کندذهنی و تعصب است حتی خود صورتک‌ها - یعنی اشیاء این دنیا - را هم نمی‌توانند ببینند؛ تنها تصویری شبح‌گونه و مبهم از آن‌ها را می‌بینند. دنیای بیرون غار، جهان آخرت است که شامل حقایق معنوی است، حقایقی که اشیای این جهان نمادهای آن هستند» (لینگز، ۱۳۹۶، صص: ۷۸-۸۰).

سنت‌گرایان معتقدند بسیاری از بحران‌های حاصله در دوره جدید، نگرش ناقص و منفصل به عالم است. همان‌گونه که یک رایانه برای اتصال به اینترنت و دریافت داده نیازمند برق و اشتراک است، بشر نیز نمی‌تواند منفصل از مبداء خویش دریافت‌کننده معرفت باشد. آنچه به انسان هویت می‌دهد اتصال به معنویت است و این فقط خاص انسان است. نگاه معنوی به عالم، کلید حل بحران‌های حاصله در عصر مدرن است. از کارکردهای هنر سنت‌گرایانه این است که نگاهی توأم با معنا و دوبعدی به انسان می‌بخشد و در پس هر صورتی معنایی می‌یابد که وی را به مبداء خویش متصل می‌گرداند (لینگز، ۱۳۹۶، صص: ۵۹-۶۴).

آموزش تفکر، خود، هنر است. تأکید بر اصل تفکر در خود، خلقت، خالق و مخلوق با توجه به آموزه‌های وحیانی که انسان را به تفکر و تدبر در جهان خلقت فرامی‌خواند؛ می‌توان

از مخاطب طلب قدری تفکر درباره پدیده‌هایی مانند بارش باران یا غروب خورشید و مواردی از این قبیل را داشت. این امر موجب اتصال وی با مبداء هستی می‌شود و از درون تعالی می‌یابد. قرآن مملو است از آیات أفلا تعقلون و أفلا یتدبرون. که این تفکر و تدبر در خلقت که خودش بالاترین زیبایی‌هاست اگر درک و فهمیده شود می‌تواند در تربیت ره‌گشا باشد. از آن‌جایی که تفکر و تدبر، زیبایی‌های آفرینش را برای انسان می‌نمایاند و درک این موضوع در نگرش انسان تأثیر می‌گذارد وقتی رفتار انسان متعادل و ملایم شود، همان گفتار زیبا و رفتار زیبا در تعدیل بسیاری از نابسامانی‌ها و کاستن از بار مشکلات روحی و روانی جامعه می‌تواند کمک‌کننده باشد.

تربیت در گفتار

از آن‌جایی که شنیدن نیز یکی از مهم‌ترین دریچه‌های دریافت معنوی است، انتقال حقایق از طریق اصوات نیز می‌تواند قابل توجه باشد. بیان حقایق به واسطه موسیقی، شعر و داستان می‌تواند نقشی شگرف در مخاطب ایجاد کند. تکرار مفاهیم زیبا و پسندیده در شکل بخشیدن به شاکله مخاطب مؤثر است. از دید سنت‌گرایان، شیوه سخن گفتن یک شخص همیشه در زندگی او عاملی مهم‌تر از شیوه نگارشش خواهد بود؛ زیرا «تأثیر انباشت تدریجی آن بر روان آدمی به مراتب بیش از تأثیر نگارش‌های گاه‌به‌گاه است» (لینگز، ۱۳۹۶، ص: ۳۱).

یکی از شیوه‌های بیان حقایق، نیایش است. نیایش همیشه نجوای درونی یک فرد نیست چراکه انسان دارای گوش درون نیز هست برای شنیدن چیزهایی که وی را فرامی‌خوانند. گاهی با یک آواز و موسیقی و گاهی با شنیدن نجوایی مانند توجه به سکوت شب، صدای نم‌نم باران؛ یا حتی جغدی که در تاریکی شب ندای حق سر می‌دهد؛ همه و همه فراخوان ما به حقیقتی است که مخاطب عصر نوین از آن غافل گشته است. این عالم مملو از دعوت‌نامه‌هایی است که به سمت‌مان می‌آیند برای حضور در مهمانی‌های حقیقت (شوان، ۱۹۸۷، ص: ۳۳). در دنیای امروزی مخلوط آشفته‌ای از آمال و آراء متزاحم، گوش سپردن به نداها و سکوت‌های طبیعت، می‌تواند مخاطب را متصل در پهنه هستی نگه دارد (لینگز، ۱۳۹۶، ص: ۷۷).

انسان طبیعت ناآرام و متلاطمی دارد و به دنبال گمشده‌ای است که پاسخش را در آیه «ألا بذكر الله تطمئن القلوب» می‌توان یافت که تکیه بر جایگاهی مطمئن و استوار زده است

که ذکر خدا همانا وصول به معنویت است و این وصل شدن، علاوه بر نگرش، موجب تحول در رفتار نیز هست.

تربیت در عمل و عمل‌گرایی

هنرمندان، آموزگاران جامعه خود هستند و قصدشان مخاطب قراردادن یک جامعه است و تلاش می‌کنند تا با خلق آثار هنری خود، ملت‌ها را ترغیب به دیدن و مکاشفه کنند تا شاید با تجدیدنظر در نوع بینش خود به تغییر در روش زندگانی، بر پایه تفکر و تعمق بیشتر درباره نیک‌اندیشی شاهد تغییرات باشند و اسباب قوام‌یافتگی فکری، فرهنگی و اجتماعی را برای جهانی زیباتر مهیا کنند (لینتن، ۱۳۸۳، ص: ۴۲۵).

هنر و زیبایی موجب پرورش اخلاقی می‌شود و برای درک زیبایی نیز تزکیه اخلاقی نیاز است. سنت‌گرایی، هنر را محور همه مبانی تعلیم و تربیت می‌داند. منظورشان از هنر به معنای فراگیر، انجام دادن یا ساختن هر چیزی به درستی و مطابق اصول و نیز درست‌اندیشیدن است و آن را اصل و اساس تعلیم و تربیت می‌داند اما تنها عامل اساسی نیست؛ چون گذشته از تربیت چشم و ذهن، عامل بسیار مهم دیگری به نام تربیت اخلاقی نیز وجود دارد. سنت‌گرایی امور زیبا و اخلاقی را پیوسته به هم می‌داند (نصر، ۱۳۹۵، ص: ۳۷۵).

«برای سلوک در راه رسیدن به گلشن حقیقت، صرف تحصیل معرفت و متحقق شدن به آن کفایت نمی‌کند، بلکه باید به دریای عشق فرورفت و جذب زیبایی در بالاترین مرتبه آن شد. خداوند به ما انسان‌ها امکان داده است تا نه تنها از طریق علم که از طریق عشق و زیبایی نیز به او دسترسی پیدا کنیم» (نصر، ۱۳۹۴، ص: ۱۷۷).

تفکری که در پی آن عمل نباشد منطقی به‌نظر نمی‌رسد. آموزش نظری و گفتارمحور صرف نمی‌تواند تأثیر وثیقی در مخاطب داشته باشد. به‌نظر می‌رسد نظام‌های تربیتی باید به سمت آموزش‌های برانگیزاننده معنا و عمل‌گرایانه حرکت کنند و از حالت انباشت حافظه و اینکه زمین‌نیازمند یک انسان آکنده از معناست تا یک انسان حامل اطلاعات. در نگاهی آرمانی می‌توان محیط‌های آموزشی را در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های هنر مقدس معماری کرد. همچنین می‌توان در مد کردن طراحی ظاهری و داخلی منازل، طراحی لباس و پوشش هر آنچه انسان امروزی با آن در ارتباط است به سبک هنرنمایی مقدس از لوازم این هنر بهره جست. به‌طور کلی انعکاس قدسی در اشیاء می‌تواند فرهنگ قدسی را با به‌کارگیری

دستاورد‌های عصر مدرن در راستای این مسیر به بشر بازگرداند و انسان را متصل در پهنه هستی نگه دارد.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم پیشرفت‌های حیرت‌آور و خیره‌کننده علوم مادی در تمامی عرصه‌ها در عصر مدرن، اخلاق و معنویت روبه زوالند؛ بنابراین بازگویی مقوله علم مقدس امروزه یک ضرورت است و این میسر نیست مگر با احیای ارزش‌های سنتی، آن هم نه تنها با شیوه‌های تبلیغات زبانی و رسانه‌ای که عمل مبتنی بر زیبایی و بازسازی شده بلکه سازگار با فطرت آدمی است. هنر مقدس حلقه واصل به عالم معناست و علی‌رغم تضادهایی که با عصر مدرن دارد به نظر می‌رسد چاره‌ساز باشد.

سنت‌گرایان توجه ویژه به تربیت و رشد ابعاد مغفول مانده آدمی در عصر مدرن دارند و انسان را با تمام امکانات وی تعریف و تفسیر می‌کنند. رشد تک‌بعدی ذهنی بس می‌تواند خطرناک باشد سزاوار است انسان پیش از آنکه عنوان یا نقشی داشته باشد، اخلاقی باشد و زیبایی بدون اخلاق زیبا نیست. هنر مقدس در راستای به‌کارگیری همه ابعاد وجودی بشر اعم از مادی، معنوی، اخلاقی و غیره است.

از آن‌جا که انسان‌ها اشکال مادی را بهتر درک می‌کنند سنت‌گرایی به خلق آثار هنری می‌پردازد تا اصول معنوی را به تصویر بکشد و آموزش دهد و به عبارتی انسان را از صورت به معنا رهنمون سازد. هنر وسیله‌ای برای گسترش معنویت در وجود آدمی است. سنت‌گرایان توجه ویژه‌ای به هنر در امر تربیت دارند. هنر می‌تواند یکی از راه‌های وصول به حقیقت باشد. در سنت‌گرایی با هنر هم می‌توان به آرمان‌های تربیت دینی رسید. در حقیقت، سنت‌گرایان هنر و زیبایی را به این دلیل تجویز می‌کنند که صورتی زیباتر از دین ارائه می‌دهد و از طریق آن می‌توان به باطن حقیقت رهنمون شد.

سنت‌گرایان در تربیت دینی برای هنر نقش قائل می‌شوند چون معتقدند هنر از باطن دین صحبت می‌کند. قرائتی که سنت‌گرایان از دین ارائه می‌دهند قرائتی عاشقانه است. این نگاه که خداوند مثل معشوقی است و خداوند مثل عاشقی که هر لحظه آهنگ دیدارش را کنی مشتاق آن است. علت اینکه امروزه بسیاری از افراد جذب عرفان‌های نوظهور می‌شوند هر چند ممکن است در کنه کلامشان چیزی نیست اما به‌خاطر این است که حرف‌هایشان زیباست. حرفشان مبتنی بر ترس و تجارت نیست و در تربیت نباید افراد را کاسب‌کارانه بار آورد.

زیبایی برای سنت‌گرایان بسیار مهم است و اینکه می‌توان هر چیزی که در این عالم است را به نشانی از خداوند بودن ربط داد و خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ هر چیزی که خدا آفریده، زیباست. پس سنت‌گرایان توجه به زیبایی را در تربیت یک اصل می‌بینند، چراکه اگر بسیاری از چیزها بدون ایجاد توجه به زیبایی به متربی یاد داده شود جذب آن نمی‌شود، ولی متربی وقتی می‌فهمد که با زبان عشق و زیبایی با او صحبت می‌شود شیفته‌تر می‌شود و این اصل در تربیت می‌تواند بسیار کمک‌کننده کند.

نوع بیان مطلب تعیین‌کننده گرایش یا عدم‌گرایش به بسیاری از چیزها است. اینکه مخاطب به سمت موسیقی گرایش دارد این است که موسیقی جذاب است پس می‌توان بسیاری حقایق را از طریق موسیقی بیان کرد و انتقال داد در نتیجه ارزش‌گذاری آن بسیار بیشتر است.

از دیگر آثار تربیتی هنر مقدس آزاداندیش شدن است و می‌خواهد به انحاء مختلف به مخاطب بفهماند تو همان قدر حقیقت داری و حقیقت را درک می‌کنی که سایرین نیز از آن بهره‌مندند. این امر در مورد ادیان نیز صادق است. با توجه به تعریف منحصر به فرد آنان از دین و نگاه ویژه به ادیان و نگاه تسامح و تساهل‌آمیز یا همان وحدت متعالی ادیان باید دانست که مطابق با این اصل، فرد لازم است بداند که در همه ادیان حقیقت برای خدای‌گونه شدن وجود دارد و نوعی کنار گذاشتن اختلافات دین نیز هست و در تمام شئون زندگی خویش می‌تواند از آموزه‌های ادیان بهره بگیرد. یکی از کارکردهای هنر مقدس در ایجاد چنین نگرشی در مخاطب است و این هنر آزاد اندیشی سازگار با فطرت آدمی است.

منابع

- الدمدو، کنت، (۱۳۸۹). *سنت‌گرایی دین در پرتو فلسفه جاویدان* (ترجمه رضا کورنگ بهشتی). تهران: نشر حکمت.
- باقری‌نیا، حسن (۱۳۹۴). تبیین تطبیقی مبانی فلسفی رویکرد سنت‌گرایانه حسین نصر و رویکرد نوگرایانه حامد ابوزید در آسیب‌شناسی تربیت‌دینی، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم‌وتربیت، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۲۲-۱۰۴.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰). چپستی تربیت‌دینی، تهران: نشر تربیت‌اسلامی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۷). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* (جلد اول). تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۹۴). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم‌وتربیت*، تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۵۵). «نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی» (ترجمه اعوانی). *جاویدان* خرد، شماره ۲، صص ۱۸ - ۳۰.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). *هنر اسلامی زبان و بیان* (ترجمه مسعود رحب‌نیا). تهران: انتشارات سروش.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹). *جهان‌شناسی سنتی و علم جدید* (ترجمه حسن آذکار). تهران: نشر حکمت.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۹۴). *کیمیا: علم جهان، علم جان* (ترجمه گلناز رعدی آذرخشی و پروین فرامرزی). تهران: نشر کیمیای حضور.
- پتر، سینگر (۱۳۸۷). *هگل* (ترجمه عزت‌الله فولادوند). تهران: انتشارات طرح نو.
- جهاننگلو، رامین (۱۳۹۵). *در جست‌وجوی امر قدسی* (ترجمه مصطفی شهر آیینی). تهران: نشر نی.
- رضوی، مسعود (۱۳۹۱). *در مسیر سنت‌گرایی؛ سیدحسین نصر و مسائل معاصر*، تهران: نشر علم.
- شوان، فریتویف (۱۳۷۲). *مقاله اصول و معیارهای هنر جهانی از کتاب مبانی هنر معنوی* (ترجمه سیدحسین نصر). تهران: نشر حوزه هنری.
- شوان، فریتویف (۱۳۸۱). *گوهر و صدف عرفان اسلامی* (ترجمه مینو حجت). تهران: دفتر پژوهش و نشر سپهروردی.
- شوان، فریتویف (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی معنوی* (ترجمه علیرضا رضایت). *اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۳۸، صص ۶۱-۵۹.
- عباسی، ولی (۱۳۹۶). *معنویت و هنر از دیدگاه سنت‌گرایان، اخلاق*، شماره ۲۰، صص ۴۲-۶.
- کوماراسوامی، آندانا (۱۳۹۰). *مبانی سنتی هنر و زندگی: تأملی در کتاب رقص شیوای آندانا کوماراسوامی* (تحقیق، ترجمه و شرح: امیرحسین ذکرگو). تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- کوماراسوامی، آندانا (۱۳۹۰). *مبانی سنتی هنر و زندگی: تأملی در کتاب رقص شیوای آندانا کوماراسوامی* (ترجمه و شرح، امیرحسین ذکرگو). تهران: مؤسسه تألیف.
- کوئین، ویلیام (۱۳۹۵). *یگانه سنت* (ترجمه رحیم قاسمیان). تهران: نشر کیمیای حضور.
- گنون، رنه (۱۳۸۴). *سیطره کمیت و علائم آخرالزمان* (ترجمه علی‌محمد کاردان). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گنون، رنه (۱۳۹۳). *بحران دنیای متجدد* (ترجمه حسن عزیززی). تهران: نشر کیمیای حضور.
- لپنتن، نوربرت (۱۳۸۳). *هنر مدرن* (ترجمه علی رامین). تهران: نی.
- لینگز، مارتین (۱۳۹۶). *باورهای کهن و خرافه‌های مدرن* (ترجمه سعید تهرانی‌نسب). تهران: نشر حکمت.
- مازیار، امیر (۱۳۹۱). *نسبت هنر اسلامی و اندیشه اسلامی از منظر سنت‌گرایان، کیمیای هنر*، سال ۱، شماره ۳، صص ۱۲-۷.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۶). *دین و نظم طبیعت* (ترجمه ان‌شاء‌الله رحمتی). تهران: نشر نی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۸). *معرفت و معنویت* (ترجمه ان‌شاء‌الله رحمتی). تهران: نشر سپهروردی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۹۲). *انسان سنتی و مدرن در اندیشه سیدحسین نصر* (ترجمه مهدی نجفی‌افرا). تهران: نشر جامی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۹۴). *گلشن حقیقت* (ترجمه ان‌شاء‌الله رحمتی). تهران: نشر سوفیا.
- نصر، سیدحسین (۱۳۹۶). *معرفت و امر قدسی* (ترجمه فرزاد حاجی‌میرزایی). تهران: نشر فروزان روز.
- هرینگتون، آستین (۱۳۹۲). *نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی در هنر* (ترجمه و تألیف علی رامین). تهران: نی.
- Ortega y Gasset, J. (1976). *En Torno a Galileo (Esquema de las Crisis)*. Madrid: Revista de Occi, dente.

- Schuon, Frithjof (1981). *Esoterism as Principle and as Way* (Trans: William Stoddart). London: Perennial Books.
- Schuon, Frithjof (1976). *Islam and The Perennial Philosophy*, UK: Al Tajir Trust.
- Schuon (1987). *Spiritual Perspectives and Human Facts* (Trans: P. N.Townsend). London: Perennial.
- Schuon (1984). *Transcendent unity of Religion*, wheaton: Theosophical publishing House.
- Williams, R. (1981). *Culture*, London and Glasgow: Fontana.